

موضوع:

عقاید: ۶۲ (کلام و عقاید: ۱۲۶)

گروه مخاطب:

- عمومی

- تخصصی الف (طلاب و دانشجویان)

شماره کتاب: ۱۳۴۹

مسئلسل انتشار: ۲۵۵۵

کتاب های مؤسسه فرهنگی انتشار نور/ ۱۴

سلیمان، خدامراد، ۱۳۳۶ =

پازگشت به دنیا در پایان تاریخ (تحلیل و بررسی مسئله رجعت) / خدا مراد سلیمان؛ تهیه مؤسسه فرهنگی انتشار نور وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. - قم: بوستان کتاب قم (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۲.

۲۵۶ ص. - (بوستان کتاب قم: ۱۳۴۹. کتاب های مؤسسه فرهنگی انتشار نور؛ ۱۶) (عقاید: ۶۲. کلام و عقاید: ۱۲۶)

ISBN 964 - 371 - 890 - 5. ۲۲۰۰۰ ریال.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Khodā Morād Salīmān, Bāzgašt be Donya dar Payān-e

Tārīkh [The Returning of the Dead to the world at the end of history]

ص. ع. به انگلیسی:

کتابنامه: ص. [۲۳۹] - ۱۲۴۷ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه:

۱. رجعت. ۲. رجعت، جنبه های قرآنی. ۳. رجعت، احادیث. ۴. آخر الزمان. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه فرهنگی انتشار نور. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب قم. ج. عنوان. د. عنوان: تحلیل و بررسی مسئله رجعت.

۱۹۷/۴۲

پ ۸ س ۲ / ۲۱ / ۲۲۲ BP

# بازگشت به دنیا در پایان تاریخ

(تحلیل و بررسی مسئله رجعت)

خدا مراد سلیمیان

تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پوشش کتب

۱۳۸۴

# بستان کتاب

بازگشت به دنیا در پایان تاریخ  
(تحلیل و بررسی مسئله رجعت)

• نویسنده: خدا مراد سلیمان

- تهیه: مؤسسه فرهنگی انتظار نور، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی • نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴
- شمارگان: ۱۵۰۰ • بهای: ۲۲۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

✓ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفه‌ایه)، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۷۷۲۲۱۵۵-۷، نمابر: ۷۷۲۲۱۵۲

✓ فروشگاه مرکزی: قم، چهار راه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

تلفن پیش: ۷۷۳۳۲۲۶

✓ فروشگاه شماره ۲: تهران، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پشت)، تلفن: ۶۲۶۰۷۳۵

✓ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهار راه خسروی، مجتمع یاس، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، گلستان کتاب، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

✓ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲

E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی با آن در وب سایت:  
<http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: محمود سوری ○ کنترل و ویرایش: ابوالفضل طریقه‌دار ○ اصلاحات حروف نگاری: احمد مؤتمنی و حسین محمندی
- صفحه‌آرا: امیر حسین علیمردانی ○ نمونه خوانی: میر یحیی میر فتحی زاده، ابوالحسن سیب نژاد و سید علی قائمی
- نظارت و کنترل: عبدالهادی اشرفی ○ طراح جلد: مجید سامان ○ مسئول تولید: حسین محمندی ○ کنترل فنی صفحه‌آرایی و بی‌گیر چاپ: سید رضا محمندی

ناشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحَجَّةُ ابْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى  
آبائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا، وَحَافِظًا، وَ  
قَائِدًا، وَنَاصِرًا، وَدَكِيلًا، وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ  
طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

\* \* \*

خدایا، برای حجت بن الحسن (عج) - که درود تو بر  
او و اجدادش باد - در این ساعت و در هر ساعت،  
دوست، نگه‌دارنده، پیشوا، یار، راهنما و دیدبان  
باش تا او را در زمین خود، با اقتدار و فرمانروایی  
جایگاه دهی و برای مدت طولانی در آن بهره‌مند  
سازی.

## فهرست مطالب

|                                                 |    |
|-------------------------------------------------|----|
| مقدمه                                           | ۱۳ |
| عوامل کم توجهی به بحث رجعت                      | ۱۳ |
| الف) تلاش مخالفان در محو این اعتقاد             | ۱۳ |
| ب) درک سطحی و غلط برخی موافقان                  | ۲۲ |
| ج) نسبت دادن برخی از عقاید غلات به تمامی شیعیان | ۲۴ |
| پیشینه بحث                                      | ۲۶ |
| فصل اول: بررسی واژگانی                          | ۲۹ |
| رجعت در معنای اصطلاحی و در کتاب‌های اعتقادی     | ۳۱ |
| چیستی رجعت                                      | ۳۶ |
| فصل دوم: رجعت از نگرگاه مذاهب اسلامی            | ۳۹ |
| جایگاه رجعت در معتقدات شیعه                     | ۳۹ |
| فواید و آثار (تربیتی) اعتقاد به رجعت            | ۴۵ |
| رجعت از نظر اهل سنت                             | ۴۶ |

- رجعت از نگاه دیگر فرقه‌های اسلامی..... ۴۹
۱. سبانیه (سبیه) منسوب به شخصیت موهوم عبداللّه بن سبا..... ۵۰
۲. کیسانیه..... ۵۰
- فصل سوم: زمان رجعت..... ۵۳
۱. مدت توقف امام حسین علیه السلام در رجعت..... ۵۵
۲. مدت توقف علی علیه السلام در رجعت..... ۵۶
۳. مدت توقف حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمان رجعت..... ۵۷
- فصل چهارم: امکان وقوع رجعت..... ۵۹
- ادله نقلی بر وقوع رجعت..... ۶۵
- آیات قرآن..... ۶۵
- خبر از وقوع رجعت در امت‌های گذشته..... ۶۶
۱. زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام..... ۶۶
- دیدگاه دانشمندان و مفسران شیعه..... ۶۷
- دیدگاه دانشمندان و مفسران اهل سنت..... ۷۱
۲. زنده شدن کشته‌بنی اسرائیل..... ۷۴
۳. زنده شدن هزاران نفر..... ۷۸
- نظر اهل سنت ذیل آیه شریفه..... ۷۸
- دیدگاه مفسران شیعی..... ۸۲
۴. زنده شدن عزیز پس از صد سال..... ۸۷

|                                                                    |     |
|--------------------------------------------------------------------|-----|
| دیدگاه مفسران اهل سنت.....                                         | ۸۹  |
| دیدگاه مفسران شیعه.....                                            | ۹۱  |
| ۵. زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> ..... | ۹۴  |
| دیدگاه عالمان اهل سنت.....                                         | ۹۵  |
| فصل پنجم: رجعت در آخر الزمان.....                                  |     |
| الف) آیات تأویل شده به رجعت در آخر الزمان.....                     | ۱۰۹ |
| ب) روایات معصومان <small>علیهم السلام</small> .....                | ۱۴۲ |
| ۱. قرآن و عترت، همراه یکدیگر.....                                  | ۱۴۳ |
| ۲. اعتبار روایات.....                                              | ۱۴۵ |
| ۳. اهل بیت صاحبان علم تنزیل و تأویل.....                           | ۱۴۶ |
| ۴. روایات معتبر راویان معتبر.....                                  | ۱۴۷ |
| ج) رجعت از نگاه ادعیه و زیارات.....                                | ۱۵۷ |
| ۱. اعمال روز جمعه.....                                             | ۱۵۷ |
| ۲. دعای عهد.....                                                   | ۱۵۸ |
| ۳. دعای روز سوم شعبان.....                                         | ۱۵۹ |
| ۴. زیارت جامعه کبیره.....                                          | ۱۶۰ |
| ۵. زیارت امام زمان.....                                            | ۱۶۱ |
| ۶. زیارت اربعین.....                                               | ۱۶۱ |
| ۷. زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> .....                | ۱۶۲ |
| ۸. زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> در روز عرفه.....     | ۱۶۳ |

۹. زیارت حضرت ابوالفضل (ع) ..... ۱۶۳

فصل ششم: اشکال‌ها و نقد و بررسی آنها ..... ۱۷۱

بازگشت از فعلیت ..... ۱۷۱

رجعت، مستلزم تناسخ است ..... ۱۷۶

تفاوت رجعت با تناسخ ..... ۱۷۹

برخورد ائمه (ع) با اعتقاد به تناسخ ..... ۱۷۹

بازگشت کفار و مجرمان از اعمال بدشان ..... ۱۸۱

دنیا دار مجازات نیست؛ بنابراین رجعت هم نباید باشد ..... ۱۸۴

تعارض رجعت با فلسفه معاد ..... ۱۸۵

رجعت، از افکار عبدالله بن سبا ..... ۱۸۶

عقاید عبدالله بن سبا در کتاب‌های تاریخ ..... ۱۸۷

عقاید عبدالله بن سبا در کتاب‌های ملل و نحل ..... ۱۹۲

انکارکنندگان وجود ابن سبا ..... ۱۹۵

علت اختراع و پرورش افسانه ابن سبا ..... ۱۹۸

رجعت، برگرفته از عقاید یهودی ..... ۱۹۹

رجعت، با تلقین میت منافات دارد ..... ۲۰۱

پاسخ ..... ۲۰۱

لازمه رجعت، امامت فاضل بر افاضل ..... ۲۰۲

پاسخ ..... ۲۰۲

رجعت، با برخی آیات قرآن معارض است ..... ۲۰۴



|                                                    |     |
|----------------------------------------------------|-----|
| فصل هفتم: رجعت کنندگان                             | ۲۰۷ |
| ۱. رجعت پیامبر اکرم ﷺ                              | ۲۰۷ |
| ۲. رجعت علی ﷺ و تکرار آن                           | ۲۰۸ |
| روایتی از خود آن حضرت                              | ۲۰۹ |
| روایتی از امام صادق ﷺ                              | ۲۱۰ |
| ۳. اولین رجعت کننده از معصومان ﷺ                   | ۲۱۱ |
| ۴. رجعت معصومان ﷺ                                  | ۲۱۵ |
| ۵. رجعت پیامبران گذشته                             | ۲۱۶ |
| ۶. رجعت مؤمنان محض و کافران محض                    | ۲۱۸ |
| ۷. تمامی معتقدان به امر ولایت (از مردگان و کشتگان) | ۲۲۱ |
| ۸. بشارت رجعت به یاران خاص معصومان ﷺ               | ۲۲۴ |
| الف) مفضل بن عمر                                   | ۲۲۴ |
| ب) سلمان فارسی                                     | ۲۲۴ |
| ج) حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز               | ۲۲۵ |
| د) عبدالله بن شریک عامری                           | ۲۲۶ |
| هـ) داود رقی                                       | ۲۲۶ |
| و) نجم بن اعین                                     | ۲۲۷ |
| ۹. رجعت برخی از اصحاب پیامبران                     | ۲۲۷ |
| ۱۰. زنان رجعت کننده                                | ۲۲۸ |
| جمع بین روایات                                     | ۲۲۹ |

|     |                                 |
|-----|---------------------------------|
| ۲۳۱ | فصل هشتم: تکلیف در زمان رجعت    |
| ۲۳۳ | بررسی دیدگاه‌ها                 |
| ۲۳۵ | فصل نهم: مجازات و پاداش در رجعت |
| ۲۳۷ | فصل دهم: نتیجه‌گیری             |
| ۲۳۹ | کتاب‌نامه                       |
| ۲۴۹ | فهرست آیات                      |
| ۲۵۳ | فهرست روایات                    |

## مقدمه

رجعت، از مباحث مهم اعتقادی شیعه است و طی قرن‌ها ده‌ها کتاب، به‌طور مستقل یا در بخشی از آن در این زمینه نوشته شده، ولی این اعتقاد نیز همانند برخی معتقدات دیگر شیعه، همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است؛ به‌ویژه دیدگاه عالمان اهل سنت درباره این موضوع مشکلات را دوچندان ساخته است.

تحقیق واقع‌بینانه و به دور از سطح‌نگری درباره موضوع رجعت، می‌تواند افق‌های روشنی پیش روی ما بگشاید و در عین حال، به برخی از پرسش‌ها و شبهه‌ها نیز پاسخ دهد.

## عوامل کم‌توجهی به بحث رجعت

### الف) تلاش مخالفان در محو این اعتقاد

گرچه اوضاع عمومی جهان و دشمنی‌های بی‌حد و حصر بر ضد اسلام، همه مذاهب اسلامی را به اتحاد و یگانگی فرا می‌خواند، این بدان

معنا نیست که هر کدام به خاطر دیگری، از اعتقادات و باورهای راسخ خود دست برداشته و از تبلیغ و ترویج آن چشم‌پوشی کند.

اعتقاد به رجعت، از شمار مسایلی است که از همان ابتدای پیدایش، مورد نقد و انگار شدید اهل سنت قرار گرفت تا جایی که اگر شخصی قابل اعتبار و بزرگ در بین تمام دیدگاه‌های خود، به رجعت نیز معتقد بود، تمام آن اعتبار، تحت الشعاع این اعتقاد قرار می‌گرفت.

یکی از این افراد که در عین عظمت و بزرگی شأن، مورد طعن قرار گرفت، جابر بن یزید جعفی است؛ همو که در شأنش سخنانی ارزشمند از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است:

زیاد بن ابی حلال گفت: اصحاب ما در روایات جابر جعفی اختلاف کردند. از این رو، با خود گفتم وقتی محضر امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدم، از حضرتش درباره جابر خواهم پرسید. وقتی شرف حضور در محضرش به دست آمد، آن حضرت بدون هیچ مقدمه‌ای فرمود:

رَحِمَ اللَّهُ جَابِرَ الْجُعْفِيِّ كَأَن يُصَدِّقَ عَلَيْنَا؛<sup>۱</sup>

خدا، جابر جعفی را بپامرزد که در هر شرایطی ما را تصدیق می‌کرد.

آن حضرت وقتی در مقام دفاع از آن شیعه راستین بر می‌آید می‌فرماید:

يَا ذُرِّيْعُ! دَعْ ذِكْرَ جَابِرٍ؛ فَإِنَّ السَّفَلَةَ إِذَا سَمِعُوا بِأَخَادِيثِهِ شَتَّوْا [أَوْ قَالَ] أَذَاعُوا؛<sup>۲</sup>

ای ذریع! از این پرسش درگذر و حرف از جابر نزن؛ چرا که انسان‌های

۱. شیخ مفید، اختصاص، ص ۲۰۴؛ محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ص ۱۹۱.

۲. رجال کشی، ص ۱۹۳.

پست وقتی سخن او را می‌شنوند از او به بدی یاد می‌کنند [و یا این‌که فرمود: ]سخنش را به نگاه تحقیر می‌نگرند.

حال چنین شخصی، به جرم این‌که در میان هزاران روایت خویش، به روایت‌های مربوط به رجعت نیز پرداخته، مورد طعن و هجو مخالفان قرار گرفته است.

دینوری درباره او می‌نویسد:

او (جابر بن یزید) در حدیث ضعیف بود و از غالیان رافضه به شمار می‌آمد که به رجعت ایمان دارند و هم‌چنین صاحب شبهه و نیرنگ بود. ثوری و شعبه از او روایت کرده‌اند و در سال ۱۲۸ از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

هم‌چنین در صحیح مسلم آمده است:

«حدَّثَنَا أَبُو غَسَّانَ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الرَّازِيُّ قَالَ: سَمِعْتُ جَرِيرًا يَقُولُ: لَقِيتُ جَابِرَ بْنَ يَزِيدَ الْجَعْفِيَّ فَلَمْ أَكُتِبْ عَنْهُ، كَانَ يُؤْمِنُ بِالرَّجْعَةِ»<sup>۲</sup>  
ابو غسان روایت کرده که محمد بن عمر رازی گفت: شنیدم جریر می‌گفت: جابر بن یزید جعفری را ملاقات کردم، ولی چیزی از سخنانش یادداشت نکردم؛ چرا که معتقد به رجعت بود.

شیخ حر عاملی به نقل از سید رضی الدین بن طاووس می‌نویسد:

«مسلم در اوایل جزء اوّل صحیح خود، از جراح بن ملیح نقل می‌کند که گفت: شنیدم جابر می‌گفت: من هفتاد هزار حدیث از حضرت باقر علیه السلام از

۱. معارف، ص ۲۱۱.

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۰.

پیغمبر اکرم ﷺ دارم که هیچ یک را ستیان از من فرامی گیرند و نقل نمی کنند. سپس در همان کتاب (صحیح) از محمد بن عمر رازی نقل می کند که گفت: شنیدم جریر می گفت: من جابر جعفی را ملاقات کردم، ولی حدیثی از او یاد داشت نکردم؛ چون به رجعت عقیده داشت.<sup>۱</sup>

ابن طاووس در ادامه می فرماید: بین چگونه خود را از هفتاد هزار حدیث پیغمبرشان که حضرت باقر علیه السلام نقل می کند محروم کرده اند، با این که حضرت باقر از بزرگان اهل بیت علیهم السلام بوده و آن جناب است که خداوند تمسک و چنگ زدن به وی را واجب کرده، با این که حدیث زنده شدن مردگان در دنیا و در قبر را خودشان روایت می کنند....

اینها با حدیث رجعت که اهل بیت علیهم السلام و شیعیانشان نقل می کنند چه فرق دارد؟ گناه جابر در این باره چیست که باید حدیثش ترک شود؟<sup>۲</sup> جصاص درباره او آورده است:

«إِنَّ جَابِرَ الْجَعْفِيِّ لَا تُثَبِّتُ بِهِ حُجَّةٌ لِأُمُورِ حُكْمٍ عَنْهُ تَسْقُطُ رَوَايَتُهُ مِنْهَا: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ بِالرَّجْعَةِ عَلَى مَا حُكِيَ، وَكَانَ يَكْذِبُ فِي كَثِيرٍ مِمَّا يَرُوهُ...»<sup>۳</sup>

همانا به جابر جعفی هیچ دلیلی ثابت نمی گردد، به خاطر اموری که از او حکایت شده است و روایت از او نیز ساقط می شود؛ چه این که براساس

۱. ر.ک: همان، ص ۱۵.

۲. شیخ حر عاملی، الإيقاظ من الهجمة بالبرهان على الرجعة، ترجمه احمد جنتی، ص ۵۹، به

نقل از طرائف، ص ۱۹۲.

۳. احکام القرآن، ج ۱، ص ۲۳.

آن چه حکایت شده قائل به رجعت بود و در بسیاری از روایات خود دروغ می گفت...».

بدون تردید خدشه وارد آمدن به بزرگانی از این دست،<sup>۱</sup> یکی از راه های محو عقیده به رجعت بوده است.

از دیگر کسانی که به دلیل اعتقاد به رجعت، مورد هجوم و اهانت مخالفان قرار گرفته اند، می توان به اصبع بن نباته حنظلی کوفی،<sup>۲</sup> مغیره بن سعید،<sup>۳</sup> رشید هجری،<sup>۴</sup> عثمان بن عمیر ابویقظان ثقفی<sup>۵</sup> و... اشاره کرد.

البته این تمام فعالیت مخالفان نبود و در موارد فراوانی دیده می شود که افزون بر تاخت و تاز بر معتقدان و نقل کنندگان روایت های رجعت، خود این اعتقاد را به باد نقدهای غیر منصفانه و گاه متعصبانه گرفته، از هر سخنی فروگذار نکرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

قرطبی در کتاب المحلی بالآثار به طور قاطع می گوید:

نه پیامبر ﷺ و نه هیچ یک از اصحاب آن حضرت، هرگز بر نخواهند

گشت، مگر در روز قیامت که این اجماع همه اهل اسلام است.

که گویی شیعه مسلمان نیست؛ چرا که مخالفت شیعه در این مسئله، باعث می شود از اجماعی بودن فاصله بگیرد.

۱. هم چنین ر.ک: حاکم نیشابوری، معرفة علوم الحديث، ص ۱۳۷.

۲. ر.ک: عقیلی، ضعفاء العقيلي، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. ر.ک: همان، ج ۴، ص ۱۷۷.

۴. ر.ک: ابن حبان، مجروحین، ج ۱، ص ۲۸۹.

۵. همان.

او در ادامه می‌گوید:

هذا إجماع جميع أهل الإسلام المتيقن قبل حدوث الروافض، المخالفين  
لإجماع أهل السلام؛

این اجماع تمامی مسلمانان است قبل از آن‌که رافضی‌های مخالف  
اجماع پدید آیند.<sup>۱</sup>

وی البته به این هم اکتفا نکرده، افزون بر این‌که شیعه را مخالف اجماع  
مسلمانان بر می‌شمارد، آنها را به تغییر، تبدیل و تکذیب در قرآن و سنت  
پیامبر ﷺ متهم می‌کند:

المبدلين للقرآن، المكذبين بصحيح سنن رسول الله ﷺ، المجاهرين  
بتوليد الكذب، المتناقضين في كذبهم أيضاً.

آن‌گاه به آیه‌ای از قرآن اشاره می‌کند که: «وَكُنْتُمْ أَفْوَاحًا قُلْ كُنْتُمْ  
ثُمَّ...»<sup>۲</sup>

و در پایان این‌گونه نتیجه گرفته است:

فادعوا من رجوع علي ﷺ ما لا يعجز أحد أن يدعي مثله لعمر  
أو لعثمان أو لمعاوية أو لغير هؤلاء؛ إذ لم ينال بالكذب، و  
الدعوى بلا برهان، لا من قرآن، ولا من سنة، ولا من إجماع، ولا من  
معقول.<sup>۳</sup>

و در یک کلام مسئله رجعت را به کلی مردود دانسته است.

۱. قرطبی یزیدی، المحلی بالآثار، ج ۱، ص ۴۳.

۲. بقره (۲) آیه ۲۸.

۳. قرطبی یزیدی، المحلی بالآثار، ج ۱، ص ۴۳.



برخی دیگر، این عقیده را برگرفته از عقاید یهود و نصاری دانسته، چنین نوشته‌اند:

اندیشه رجعت، اصلاً از یهود و نصاری برگرفته شده؛ چرا که نزد یهود در دو حادثه این اتفاق رخ داد که یکی، بازگشت عزیر بعد از مردن با فاصله یکصد سال به دنیا بود.<sup>۱</sup>

دیگری، منشأ اعتقاد به رجعت را، اعتقاد عرب جاهلیت دانسته و نوشته است:

و معنى الرجعة: الرجوع إلى الدنيا بعد الموت. و يشير ابن أثير أن هذا مذهب قوم من العرب في الجاهلیة، معروف عندهم؛<sup>۲</sup>

معنای رجعت، بازگشت به دنیا بعد از مردن است و ابن‌اثیر اشاره می‌کند که این دیدگاه قومی از عرب جاهلی است که به آن معتقد بودند. دیگری، به دلیل درک ناصحیح از این اعتقاد، آن را اعتقادی مضحک- قلمداد نموده است:

«و از جمله امور خنده‌آور در این اعتقاد این است که آنها گمان می‌کنند که پیامبر ﷺ و حسن و حسین ﷺ و دشمنان آنها یعنی: خلفای راشدین سه‌گانه و معاویه و یزید و مروان و ابن‌زیاد و امثال آنها و هم‌چنین امامان دیگر ﷺ و قاتلان آنها بعد از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه زنده می‌شوند و قبل از دجال عذاب می‌شوند. هر آن کس که به ائمه ﷺ ظلم کرده است و از آنها

۱. زید العیص، الخميني والوجه الآخر في ضوء الكتاب والسنة، ص ۲۷.

۲. ناصر القفاري، أصول مذهب الشيعة عرض و نقد، ج ۳، ص ۹۱۱؛ اصفهانی، اعناني، ج ۳، ص ۱۳۹ (حاشیه ۲).

قصاص می‌شود سپس از دنیا می‌روند و آن‌گاه در روز قیامت زنده می‌شوند.<sup>۱</sup>

عده‌ای نیز آن را از عقاید فتنه‌آلود دانسته، چنین نوشته‌اند:

و منها: أي من العقاید المدسوسة - عقيدة الرجعة، فالشيعة على بكرة؛<sup>۲</sup>

از جمله آنها، یعنی عقاید باطل، عقیده رجعت است که ابتکار شیعه است.

و همو اعتقاد به رجعت را برخاسته از افکار عبدالله بن سبا و روایاتی دروغین دانسته، می‌نویسد:

«أما الرجعة: فقال بها الشيعة الإثنا عشرية طبق ما قاله عبدالله بن سبا بفرق أنه قال في عليٍّ و هوأ قالوا في معدومهم و... ثم لم يكتف الشيعة الإثنا عشرية بقول: إن معدومهم الغائب هو الذي سيرجع، بل قالوا أكثر من ذلك و هو أنه يرجع و يرجع الآخرون من الشيعة و أنتمهم و أعدائهم حسب زعمهم، و هناك روايات و أكاذيب لاتعدّ و لا تحصى في هذا المعنى...»<sup>۳</sup>

اما رجعت که شیعیان دوازده امامی به آن قائل هستند، براساس آن چیزی است که عبدالله بن سبا قایل شده، با این تفاوت که عبدالله بن سبا تنها درباره علی ذکر کرده، در حالی که آنها درباره امام غائب قائل به رجعت هستند... البته شیعه دوازده امامی به این اکتفا نکرده است که امام غائب

۱. ربیع بن محمد السعودی، الشيعة الإمامية الإثنا عشرية في ميزان الإسلام، ص ۲۰۲.

۲. ظهير احسان الهی، الشيعة و السنة، ص ۵۵.

۳. همو، الشيعة و الشيعة، ص ۳۵۹.

رجعت می‌کند، بلکه بیشتر از این گفته‌اند و آن این‌که علاوه بر او، دیگران نیز چه از شیعیان و چه از بقیه ائمه و هم‌چنین به گمان آنها دشمنانشان نیز باز می‌گردد و در این مورد، دروغ‌های بی‌حد و حصری نقل کرده‌اند...».

دیگری، منشأ اعتقاد به رجعت را، تأثیر فلسفه آفریقایی بر ذهن شیعه قلمداد کرده و نوشته است:

«في النصف الثاني من القرن الثالث الهجري تأثر مذهب الشيعي بما طرأ عليه من تغيرات عظيمة و ذلك راجع إلى تأثر بعض الشيعة بالفلسفة الإفريقية و أخذهم ببعض العقائد المبنية على الرجعة و التناسخ؛<sup>۱</sup>

در نیمه دوم قرن سوم هجری، مذهب شیعه دچار دگرگونی‌های اساسی و مهمی شد و این به تحت تأثیر قرار گرفتن برخی از شیعیان از فلسفه آفریقا برمی‌گردد؛ به ویژه در برخی اعتقادات مربوط به رجعت و تناسخ».

برخی، پا را از همه آن‌چه گفته شد فراتر نهاده و اعتقاد به رجعت را، مساوی با تکذیب آیات قرآن و کفر دانسته‌اند:

«و عقيدة الرجعة التي تنعقها الشيعة ما هي إلا تكذيب صريح لقول الله تعالى: ﴿حَقُّ إِذَا جَاءَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ ﴿لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ و ما هذا بأول تكذيب لله تعالى، و ما هو بآخر مفتریاتهم و كذبهم على الله؛<sup>۲</sup>

و عقیده رجعتی که شیعه بدان معتقد است، چیزی نیست مگر تکذیب

۱. حسن إبراهيم، تاريخ الإسلام، ج ۴، ص ۲۵۹.

۲. محمد مال الله، الشيعة و تحريف القرآن، ص ۲۵.

صریح آیات الهی و البته این اولین تکذیب خداوند نیست، همان‌گونه که آخرین افترا و دروغ بر خداوند نیز نخواهد بود.

به همین دلیل نیز، حکم کفر معتقدان به رجعت، هیچ‌گونه استبعادی نداشته که برخی در این باره نوشته‌اند:

يجب إكفار الرافضی فی قولهم يرجعۃ الأموات إلی الدنیا، و بتناسخ الأرواح... و هؤلاء قوم خارجون عن ملّة الإسلام أحكامهم أحكام المرتدّین.<sup>۱</sup>

این‌گونه سخنان ناشایست کم نیست و در طول تاریخ، همواره نثار معتقدان رجعت شده است.

#### ب) درک سطحی و غلط برخی موافقان

در تاریخ شیعه، دانشمندان و بزرگان، همواره در روشن کردن افکار شیعیان نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند، اما عده اندکی نیز به دلیل کج‌فهمی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به برخی اعتقادات وارد ساخته‌اند و این خود در حاشیه قرار گرفتن این مباحث، نقش فراوانی داشته است.

بی‌شک، فهم دقیق زوایای رجعت، همانند معاد برای عموم مردم مشکل است. از این رو، عده معدودی به بررسی این مسئله پرداخته‌اند. البته درک نکردن صحیح، پی‌آمدهای ناگواری به دنبال داشته که می‌توان به برخی افراط‌گری‌ها اشاره کرد.

بی‌مبالاتی و بی‌توجهی برخی از نقل‌کنندگان و راویان احادیث رجعت

۱. فرغانی، الفتاوی الهندیه، ج ۲، ص ۲۶۴.

و ذکر برخی احادیث جعلی و مبالغه‌آمیز، با نیت ترغیب دیگران در توجه دادن به این بحث، ضربه‌ای سهمگین به حقیقت تابناک این مسئله وارد کرده که کمتر از ضربه مخالفان نبوده است.

شیخ حرّ عاملی، به این نکته مهمّ توجه کرده، چنین نوشته است:

«قد جمع بعض السادة في إثبات الرجعة التي وعد الله بها المؤمنين و النبي ﷺ و الاثمة (ع)، و فيها إشارة غريبة مستبعدة، لم يُعلم من أين نقلها ليظهر أنها من الكتب المعتمدة، فكان ذلك سبباً لتوقف بعض الشيعة عن قولها حتى انتهى إلى إنكار أصل الرجعة، و حاول إبطال برهانها و دليلها...»

برخی از بزرگان، رساله‌ای در اثبات رجعت گردآوری نموده‌اند که معلوم نیست از کجا نقل کرده‌اند تا معلوم شود از منابع معتبر است یا نه، و همین سبب شد که بعضی از شیعیان، از قبول رجعت سر باز زنند تا جایی که بعضی، آن را انکار کرده و دلایلی بر ابطال براهین آن اقامه نموده‌اند...<sup>۱</sup>

برخی مفسران معاصر نیز با توجه به این نکته نوشته‌اند:

«این نیز قابل توجه است که احیاناً خرافات بسیاری با مسئله رجعت آمیخته شده است که سبب گردیده، اعتقاد به آن در نظر بعضی غیرمنطقی جلوه کند و در این بین، لازم است که از احادیث ضعیف پرهیز کنیم و تنها در محدوده احادیث معتبر و صحیح سخن بگوییم و فقط به همان مقدار معتقد شده و بقیه را مسکوت بگذاریم».<sup>۲</sup>

این عامل و برخی عوامل دیگر، دست به یکدیگر داده، باعث انکار

۱. الايقاظ من المهجعة بالبرهان على الرجعة، ترجمه احمد جنتی، ص ۳.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۱.

اعتقاد رجعت توسط عده اندکی از شیعیان شده است؛ چنانکه یکی از محققان معاصر، درباره اعتقاد به رجعت می‌نویسد:

«باید دانست که مسئله رجعت، نه از ضروریات دین اسلام است و نه از اصول و ضروریات مذهب شیعه، بلکه اعتقادی است که در میان مردم محروم شیعه، به امید روزگار بهتری به وجود آمده است و این اعتقاد، پیش از این نیز در میان قوم یهود و زردشتیان و نصاری وجود داشت؛ چنانکه یهودیان معتقدند ایلای نبی به آسمان رفت و سرانجام به زمین باز می‌گردد و دین را در جهان برپا می‌دارد. در ادیان برهمایی و هندی نیز نظیر چنین عقیده‌ای دیده می‌شود»<sup>۱</sup>

بررسی و تحلیل این مسئله، می‌تواند حقیقت رجعت را به روشنی در پیش روی افراد قرار داده، مانع استبعاد آنها گردد.

ج) نسبت دادن برخی از عقاید غلات به تمامی شیعیان

«یکی از مشکلات تشیع، از همان ابتدا این بوده که عقاید این مذهب، از سوی بسیاری از نویسندگان و دانشمندان اهل تسنن، از روی جهل یا تجاهل، آمیخته با عقاید غلات مطرح می‌شود و علمای کلام اهل تسنن، برای محکوم کردن مذهب تشیع، ابتدائاً عقاید غلات<sup>۲</sup> را که شیعه همواره

۱. محمدجواد مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، ص ۱۱۱.

۲. با بررسی عقاید غلوکنندگان درباره رجعت، چنین به دست می‌آید که فرقه‌های مختلف غلات، رجعت را در دو معنای کاملاً متفاوت با هم به کار می‌بردند: ۱. معنای اول رجعت، شبیه رجعتی است که شیعه قائل است؛ ۲. رجعت، در حقیقت بخشی از نظریه تناسخ است که

از آنها بیزاری جسته است. به شیعه نسبت می‌دهند و آن را به عنوان عقاید شیعه، بحث و بررسی و در ذهن خوانندگان خود چنین القامی کنند که شیعه چیزی جز این عقاید که آوردیم و محکوم کردیم، نیست.

شاید بتوان گفت همه مظلومیت‌های سیاسی - اجتماعی که شیعه در طول تاریخ خون‌بار خود با آن روبه‌رو بوده است، از قبیل محروم شدن رهبران آن از حق مسلم خود، به شهادت رسیدن رهبران این مذهب و قتل و غارت و کشتارهایی که همیشه از سوی مخالفان بر ضد طرف‌داران این مذهب انجام گرفته، با این ظلم قابل مقایسه نباشد؛ چرا که شیعه با متحمل شدن شهادت‌ها، آزارها و شکنجه‌ها، توانست خود را در قلوب مردم جای دهد و حقانیت خود را اثبات کند. در حالی که چنین اتهامی، مذهب شیعه را به عنوان مذهبی خرافاتی و باطل و منافی با طبع هر انسان سالم معرفی می‌نماید و به این ترتیب، بسیاری از ناآشنایان با این مذهب را، از آن منزجر و متنفّر می‌سازد.<sup>۱</sup>

البته برخی پا را از این هم فراتر گذاشته، فرقه امامیه را معادل غالیان شیعه شمرده، چنین نوشته‌اند:

→ نزد آنها معروف می‌باشد. به این معنا که وقتی روح پس از مردن بدنی، به بدن دیگر می‌رود، این همان رجعت است که از آن به نظریه «رجعت و کرات» تعبیر می‌کنند. شاید بتوان گفت تصور بسیاری از اهل سنت از رجعت مطرح شده نزد شیعه، همین معنای دوم باشد که همین دلیل، به شدت به شیعه می‌تازند و نظریه رجعت شیعه را محکوم می‌کنند. البته، شیعه همان‌طور که به شدت با تناسخ مخالف است، با این معنای رجعت نیز مخالفت می‌ورزد.

۱. نعمت‌الله صفری فروشانی، غالیان، ص ۱۷.

فَأَمَّا الْفِرْقَةُ الْإِمَامِيَّةُ: جَمَاعَةٌ مِنْ غِلَاةِ الشَّيْعَةِ: فَأَمَّا تُقْبَوُا بِهَذَا اللَّقْبِ: لَأَنَّهُمْ يَرَوْنَ الْإِمَامَةَ لِعَلِيِّ عليه السلام، وَ لِأَوْلَادِهِ مِنْ بَعْدِهِ، وَ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ لَابَدًا لِلنَّاسِ مِنْ إِمَامٍ، وَ يَنْتَظِرُونَ الْإِمَامَ الَّذِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛<sup>۱</sup>

اما فرقه امامیه، گروهی از غلات شیعه‌اند و به این لقب ملقب شدند؛ زیرا آنها، معتقدند امامت از آن علی علیه السلام و فرزندان بعد از اوست، و نیز اعتقاد دارند که ناگزیر برای مردم امامی می‌بایست و آنها منتظر امامی هستند که در آخر الزمان ظهور می‌کند.<sup>۲</sup>

بنابراین، رجعت یکی از مسئله‌های اساسی و با اهمیت در بحث امامت است و چنان‌که اشاره گردید، برای اثبات آن، دلایل کافی در متون اسلامی مطرح گردیده است.

تبیین مفهوم رجعت در آیات و روایات، از اهداف این بحث به شمار می‌آید و در عین حال، در این بحث به سخنان دانشمندان و عالمان بزرگ نیز اشاره می‌گردد.

### پیشینه بحث

پیشینه این بحث، به ادیان قبل از اسلام برمی‌گردد، اما به یقین، بحث رجعت، از شمار موضوعاتی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و روایات شیعی از آن به تفصیل سخن گفته و در همین راستا، نوشته‌های فراوانی نیز به این مهم پرداخته است. از این رو، می‌توان گفت در بین کتاب‌هایی که از رجعت

۱. سمعانی، انساب، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. هم چنین ر.ک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۹.



بحث کرده، کتاب سلیم بن قیس هلالی، جزو اولین هاست و با توجه به تاریخ نگارش آن، می توان ادعا کرد که این اعتقاد، از دهه های نخست تاریخ اسلام مطرح بوده است.

از دیگر کسانی که روایاتی چند از مسئله رجعت را در نوشته های خود ذکر کرده اند، می توان به این افراد اشاره کرد:

۱. عیاشی در تفسیر عیاشی (متوفی ۳۲۰ ق)؛
۲. علی بن ابراهیم در تفسیر قمی؛
۳. محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی (متوفی ۳۲۹ ق)؛
۴. شیخ صدوق در کتاب های من لا یحضره الفقیه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، معانی الأخبار، خصال، کمال الدین، الاعتقادات، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، أمالی و توحید (متوفی ۳۸۱ ق)؛
۵. شیخ مفید در إرشاد، عیون و محاسن (متوفی ۴۱۳ ق)؛
۶. سید مرتضی در رساله محکم و متشابه و... (متوفی ۴۳۶ ق)؛
۷. نجاشی در کتاب رجال (متوفی ۴۵۰ ق)؛
۸. شیخ طوسی در کتاب های تهذیب، الغیبه، أمالی (متوفی ۴۶۰ ق)؛
۹. کشی در رجال (متوفی نیمه دوم قرن چهارم هجری قمری)؛
۱۰. طبرسی در تفسیر مجمع البیان (متوفی ۵۴۸ ق)؛
۱۱. قطب راوندی در قصص الأنبياء و الخرائج و الجرائح (متوفی ۵۷۳ ق)؛
۱۲. ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸ ق)؛
۱۳. علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ق)؛
۱۴. سید بن طاووس در لهوف علی قتلى الطفوف (متوفی ۶۶۴ ق)

و نیز کتاب‌هایی که در این زمینه به صورت مستقل نوشته شده است. در پایان، ذکر این نکته لازم است که در این بحث، افزون بر بیان آیات و روایات و نقل کلام بزرگان، به تحلیل و بررسی موارد یاد شده نیز خواهیم پرداخت و در واقع می‌توان گفت که از هر دوروش توصیفی و تحلیلی بهره می‌گیریم. البته درباره رجعت، منقولات فراوانی به دست ما رسیده، ولی هنوز تحلیل‌های جامعی که بتوان به آن استناد جست، در دسترس نیست، و حتی منابع غیرنوشتاری، اعم از برنامه‌های نرم‌افزاری و اینترنت نیز نتوانسته دشواری‌های راه را برطرف سازد. امید می‌رود تا به یاری حضرت حق و عنایت حضرات معصومان، برداشتن قدم‌هایی هر چند کوتاه، نصیب این کمترین گردد. نگارنده بر خود فرض می‌داند از همه عزیزانی که این‌جانب را در فراهم آمدن این اثر یاری نموده‌اند، به ویژه حجج اسلام و المسلمین محسن قرائتی و احمد عابدی، و هم‌چنین دست‌اندرکاران مؤسسه فرهنگی انتظار نور، به‌خصوص مدیر مسئول آن حجت الاسلام والمسلمین رضا اسکندری و معاون محترم پژوهشی حجة الاسلام والمسلمین آقای علی اکبر حصاری و نیز جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی ربانی، که تلاش فراوانی مبذول داشته‌اند، تشکر کند. امید آن‌که مقبول درگاه حق تعالی قرار گیرد.

بِسْمِ اللَّهِ وَكَرَّمَهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

حوزة علمیه قم - خدامراد سلیمان

نهم ربیع الاول ۱۴۲۶

مصادف با سالروز آغاز امامت حضرت مهدی عجله